

## بررسی تقابل رضایت خدا با رضایت مردم

حجت الاسلام والمسلمین علیجان کریمی\*

### اشاره

اگر امری مورد پسند ما انسان‌ها باشد، از آن به رضایت تعبیر می‌کنیم؛ اما به راستی مقصود از رضایت خدا چیست و در چه مواردی میان رضایت خدا با رضایت دیگران تقابل به وجود می‌آید؟ رضایت خدا، همان رحمت و پاداش اوست و رضایت از خدا، تسلیم بودن در برابر قضا و قدر و بالاترین مرتبه توکل است. ارزش عمل صالح در صورتی است که فقط رضایت خدا در نظر باشد. در این میان گاهی میان رضایت خدا و رضایت مردم تقابلی ایجاد می‌شود؛ به گونه‌ای که یا باید رضایت خدا را جلب کرد و سبب ناخشنودی دیگران شد یا بر عکس دیگران را خشنود نمود، ولی خدا را از خود خشمگین کرد. در این شرایط برخی رضایت خدا و برخی رضایت مخلوق را ترجیح می‌دهند. بر اساس آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، در هیچ شرایطی رضایت مخلوق بر رضایت خالق مقدم نمی‌شود. اگر کسی در پی خشنودی خدا باشد، خشنودی مخلوق نیز حاصل می‌شود؛ ولی اگر کسی در طلب خشنودی مردم باشد، نه خشنودی خدا و نه خشنودی مردم را به دست آورده است.

### رضایت خدا

رضایت، به معنای خشنود بودن و در تقابل با خشم است.<sup>۱</sup> اگر امری سازگار با خواسته و مورد پسند ما باشد، از آن به رضایت تعبیر می‌شود.<sup>۲</sup> مقصود از رضایت خدا نیز رضایت از صفات

\* پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. محمد بن مکرّم ابن منظور؛ لسان العرب؛ ج ۵، ص ۲۳۵.

۲. سید محمدحسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۳، ص ۱۰۶.

فعل اوست، نه صفات ذات. نعمت،<sup>۱</sup> رحمت و ثواب<sup>۲</sup> و عفو<sup>۳</sup> اوست و مقصود از ناخشنودی و خشم او، محروم کردن از نعمت و کیفر دادن است.<sup>۴</sup>

قرآن درباره عواملی که سبب رضایت خدا و نیز عواملی که سبب خشم خدا می‌شود، فرموده است: «أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ»<sup>۵</sup> آیا کسی که از رضای خدا پیروی کرده، همانند کسی است که به خشم و غضب خدا بازگشته؟! و جایگاه او جهنم و پایان کار او بسیار بد است». بر اساس این آیه، اطاعت از خدا موجب خشنودی او و نافرمانی خدا، سبب خشم اوست.<sup>۶</sup> نقل است وقتی رسول خدا ﷺ فرمان داد مسلمانان برای جنگ احد از مدینه خارج شوند، برخی منافقان از شرکت در جنگ خودداری کردند؛ ولی مؤمنان گوش به فرمان رسول خدا ﷺ در جنگ حاضر شدند. در این شرایط بود که آیه فوق نازل شد.<sup>۷</sup>

ارزش عمل صالح در صورتی است که انجام‌دهنده آن به دنبال کسب خشنودی خدا، و به تعبیر قرآن «ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» باشد. قرآن از گروهی که فقط درصدد جلب خشنودی خدا هستند، به نیکی یاد کرده است: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ»<sup>۸</sup> بعضی از مردم، جان خود را به خاطر خشنودی خدا می‌فروشند و خداوند نسبت به بندگان مهربان است». بر اساس روایات، این آیه در لیلۃ‌المیت و در شأن امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام نازل شده است؛ زمانی که آن حضرت به امر رسول خدا ﷺ در بستر ایشان خوابید تا از توطئه مشرکان که قصد کشتن‌اش را داشتند، در امان بماند.<sup>۹</sup>

### رضایت خالق یا مخلوق؟

برخی افراد وقتی میان تقابل رضایت خالق و مخلوق قرار می‌گیرند، رضایت مخلوق را بر

۱. همان، ج ۱۹، ص ۱۹۷؛ سید جعفر سجادی؛ فرهنگ معارف اسلامی؛ ج ۲، ص ۹۱۲.

۲. حسن بن عبدالله العسکری؛ معجم الفروق اللغویه؛ ص ۳۴.

۳. محمد بن علی شوکانی؛ فتح القدير؛ ج ۲، ص ۴۵۳.

۴. همان، ج ۹، ص ۳۷۶.

۵. آل عمران: ۱۶۲.

۶. فضل بن حسن طبرسی؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۲، ص ۴۳۲.

۷. همان.

۸. بقره: ۲۰۷.

۹. فرات بن ابراهیم کوفی؛ تفسیر فرات کوفی؛ ص ۶۵؛ عبدعلی بن جمعه عروسی حویزی؛ تفسیر نور الثقلین؛ ج ۱،

ص ۲۰۵.

می‌گزینند؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده است: «لَا تُشْخِطُوا اللَّهَ بِرِضَا أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ؛<sup>۱</sup> برای خشنود کردن هیچ فردی، خدا را به خشم نیاورید».

پیروی از مخلوق در صورتی که ملازم با نافرمانی خدا باشد، هرگز جایز نیست؛ چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: «لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ».<sup>۲</sup> امام رضا علیه السلام نیز فرموده است: «مَنْ أَرْضَى الْخَالِقَ لَمْ يُبَالِ بِسَخَطِ الْمَخْلُوقِ؛<sup>۳</sup> کسی که به دنبال کسب خشنودی خدا باشد، اهمیتی به ناخشنودی مخلوق نمی‌دهد».

حقیقتی که در روایات به آن اشاره شده و تجربه نیز آن را به اثبات رسانده است، این است که اگر کسی به دنبال کسب رضایت مردم باشد، هیچ‌گاه به این هدف نخواهد رسید. از این رو در تعالیم و آموزه‌های دین اسلام، محور تمام افعال و کردار انسان، باید رضایت خدای متعال باشد؛ یعنی انسان مؤمن باید کارهایش را در راستای خوشنودی و رضایت الهی محاسبه کرده و انجام دهد. و اگر در جایی رضایت خداوند با جلب رضایت مردم در برابر هم قرار گرفت، جلب رضایت الهی مهم‌تر است. چنانچه مردی در ضمن نامه‌ای از امام حسین علیه السلام خواست تا خیر دنیا و آخرت را برایشان بنگارد امام علیه السلام در پاسخ نوشت: «مَنْ طَلَبَ رِضَى اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ وَ مَنْ طَلَبَ رِضَى النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَ كَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ وَ السَّلَامُ؛<sup>۴</sup> هر کس با خشمگین کردن مردم به دنبال رضایت خدا باشد، خداوند پشتیبان او در کارهایی خواهد بود که مرتبط با مردم است، و هر کسی با به خشم آوردن خدا، به دنبال راضی نگه داشتن مردم باشد، خدا او را به همان مردم وامی‌گذارد. و السلام».

همچنین نقل است یکی از شیعیان به نام علقمه، نزد امام صادق علیه السلام از نسبت‌های ناروای مخالفان به شیعیان اظهار ناراحتی و دل‌تنگی کرد. آن حضرت به منظور دل‌داری به وی فرمود: «إِنَّ رِضَى النَّاسِ لَا يُمْلِكُ، وَأَلْسِنَتِهِمْ لَا تُضْبِطُ، وَ كَيْفَ تَسْلِمُونَ مِمَّا لَمْ يَسْلَمْ مِنْهُ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ وَ رُسُلُهُ؛<sup>۵</sup> جلب رضایت مردم، دست‌نیافتنی است و زبان ایشان، قابل کنترل نیست. چگونه انتظار دارید از چیزی (زخم‌زبان و تهمت‌های مردم) در امان باشید که انبیای الهی از آن در امان نبودند».

ملا احمد نراقی در این باره گفته است:

۱. محمد بن علی صدوق؛ کتاب من لایحضره الفقیه؛ ج ۴، ص ۴۰۳.
۲. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ حکت ۱۶۵.
۳. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۱، ص ۱۳۸.
۴. محمد بن علی صدوق؛ الامالی؛ ص ۲۰۰.
۵. همان؛ ص ۱۶۴؛ محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۲۷، ص ۳۹۶.

اگر گروهی از مردم را راضی کنی، گروه دیگری ناراضی خواهد شد. دل یکی را به دست آوری، دیگری دل شکسته می‌گردد. با همه این‌ها هم‌چنانکه اخبار بر آن شاهد، و به تجربه ثابت است؛ هر که دست از رضای حق برداشته، طالب رضای مردم باشد؛ خدا و خلق او را دشمن می‌دارند و احدی از او راضی نیست و هر که رضای خدا را بر رضای مردم مقدم دارد، همه او را دوست می‌دارند.<sup>۱</sup>

نکوهش ریاکاری در آیات و روایات، از این جهت است که ریاکار درصدد جلب خشنودی مردم است؛ نه خدا. در روایتی درباره ریاکاران آمده است که فرشتگان حافظ اعمال با خوشحالی عبادت‌های ریاکار را به خدا عرضه می‌دارند. خدای تعالی می‌فرماید: «شما، حافظان عمل بنده من هستید و من از باطن او آگاهم؛ به درستی که این بنده با این عمل خود، رضای مرا نخواسته؛ بلکه غیر مرا در نظر داشته است. پس لعنت من بر او باد». همه فرشتگان نیز می‌گویند: «بر او باد لعنت تو و لعنت ما» و جمله آسمان‌ها و ساکنان آن‌ها بر او لعنت می‌فرستند.<sup>۲</sup> بی‌شک هر کسی که با عبادت خدا، به دنبال ستایش بنده‌ای از بندگان خدا باشد؛ در حقیقت معتقد است که قدرت آن بنده در برآورده کردن حاجاتش بیشتر از قدرت خدا و از این رو کسب رضایت او بهتر از کسب رضایت و خشنودی خداوند است. در حقیقت چنین فردی نسبت به خدا بی‌احترامی و اهانت کرده است.<sup>۳</sup>

### موارد تقابل رضایت خدا با رضایت مردم

در زندگی انسان‌های مؤمن، گاه مواردی پیش می‌آید که رضایت خدا و رضایت دیگران مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. برخی از این موارد عبارتند از:

#### ۱. رضایت حاکمان جائر

حاکمان ستمگر تنها به دنبال برآورده کردن خواسته‌های مستبدانه خود هستند؛ از این رو به دست آوردن رضایت آنان، مستلزم سخط و خشم خداست. از آنجا که مخالفت با حاکمان ستمگر، خطر آفرین است؛ افراد بی‌دین، لابی‌ها و دنیاپرست که هرگز شجاعت ایستادگی در برابر آنان را ندارند، رضایت آنان را بر رضایت خدا ترجیح می‌دهند؛ این در حالی است که اولیای خدا در

۱. ملا احمد نراقی؛ معراج السعاده؛ ص ۶۲۶.

۲. حسین بن محمد تقی نوری؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۱، ص ۱۱۲؛ ملامحسن فیض کاشانی؛ محجة البیضاء؛ ج ۶، ص ۱۴۲.

۳. ملامحسن فیض کاشانی؛ محجة البیضاء؛ ج ۶، ص ۱۴۲.

چنین مواردی، رضایت خدا را در نظر دارند و باکی از مخالفت با ستمگران ندارند؛ چنانکه در ماجرای کربلا وقتی ابن‌زیاد در نامه‌ای به امام حسین علیه السلام، خواهان تسلیم شدن آن حضرت شد؛ امام علیه السلام پس از خواندن نامه، آن را دور انداخت و فرمود: «لَا أَفْلَحَ قَوْمٌ اشْتَرَوْا مَرْضَاةَ الْمَخْلُوقِ بِسَخَطِ الْخَالِقِ!»<sup>۱</sup> ملتی که رضایت مخلوق را در برابر سخط خالق بخرد، رستگار نمی‌شود». هنگامی نیز که تصمیم گرفت به سمت عراق حرکت کند، فرمود: «لَا مَحِيصَ عَنْ يَوْمٍ حُطَّ بِأَقْلَمٍ، رَضِيَ اللَّهُ رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ، نَضِبِرُ عَلَى بَلَائِهِ وَ يُؤَقِّبِنَا أُجُورَ الصَّابِرِينَ»<sup>۲</sup> گریزی از آن روزی که با قلم (تقدیر مرگ کسی) مشخص شده، نیست. آنچه مایه خشنودی خداست، همان سبب خشنودی ما اهل بیت علیهم السلام است. بر بلاهایی که از خدا به ما می‌رسد، صبر می‌کنیم و خدا پاداش صابران را به ما عطا خواهد کرد».

امام سجاد علیه السلام نیز چه در مجلس ابن‌زیاد در کوفه و چه در برابر یزید در شام، با عزت و شجاعت پاسخ یاروگویی‌های آنان را داد و از تهدید به قتل، ترسی به خود راه نداد.<sup>۳</sup> هنگامی که اسیران کربلا را به مجلس یزید آوردند، یکی از وعاظ درباری در مدح یزید و بدگویی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله به سخنرانی پرداخت. امام سجاد علیه السلام خطاب به او فرمود: «وَيْلَكَ أَيُّهَا الْخَطِيبُ اشْتَرَيْتَ مَرْضَاةَ الْمَخْلُوقِ بِسَخَطِ الْخَالِقِ فَتَبَوَّءَ مَقْعَدَكَ مِنَ النَّارِ»<sup>۴</sup> وای بر تو ای خطیب! برای تأمین رضایت مخلوق، سخط و خشم خالق را بر خود خریده‌ای؟! پس جایگاه تو در آتش است».

## ۲. مجالس لهو و لعب

یکی از مهم‌ترین موارد تقابل رضایت خدا با رضایت مخلوق، مجالس لهو و لعب و برخی از مجالس عقد و عروسی و مانند آن است. در این نوع مجالس، برخی برای ایجاد شادی و هیجان در پی خشنودی و خوشحال کردن شرکت‌کنندگان در مراسم هستند. چه بسا صاحبان مراسم و برخی مؤمنان نیز که راضی به رفتارها و حرکات غیرشرعی نیستند، با در نظر گرفتن ملاحظات از بیان حکم خدا و نهی از منکر ممانعت می‌کنند. برخی به بهانه اینکه عروسی است و یک شب، هزار شب نمی‌شود؛ به انواع موسیقی و رقص و آوازه‌خوانی و حتی مشروبات الکلی تن می‌دهند.

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۴۴، ص ۳۸۲.

۲. حسین بن نصر حلوانی؛ نزهة الناظر و تنبيه الخاطر؛ ص ۸۶.

۳. علی بن موسی ابن‌طاووس؛ اللهوف فی قتلی الطفوف؛ ص ۹۱.

۴. همان، ص ۱۰۹.

قرآن می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»<sup>۱</sup> و بعضی از مردم سخنان بیهوده را می‌خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزا گیرند؛ برای آنان عذابی خوارکننده است».

مطابق روایات و دیدگاه مفسران، مراد از «لَهْوَ الْحَدِيثِ»، غناست. بنابر روایات، این آیه درباره کسانی است که کنیزان خواننده را خریداری می‌کردند و مردم را با مشغول کردن به شنیدن آوازه‌خوانی، از شنیدن سخن حق باز می‌داشتند. آنان همچون زنان خواننده را وادار می‌کردند به سراغ کسانی که قصد دارند مسلمان شوند، بروند تا با آوازه‌خوانی ایشان را از هدف خود منصرف کنند و یا مجالسی با انواع خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها ترتیب می‌دادند و سپس به شخصی که قصد داشت مسلمان شود، می‌گفتند: «این، بهتر است از نماز و روزه و جنگیدن است که محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تو را بدان دعوت می‌کند».<sup>۲</sup>

همچنین نقل شده است که روز جمعه‌ای، یک کاروان تجاری همراه با طبل و دهل و سر و صدا وارد مدینه شد. بیشتر نمازگزارانی که مشغول گوش دادن به خطبه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودند، آن حضرت را رها کردند و به سراغ کاروان رفتند و فقط تعداد اندکی و به نقلی، ۱۲ نفر باقی ماندند. در آن حال، این آیه شریفه نازل شد و آنان را سرزنش کرد:<sup>۳</sup>

وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَ تَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَ مِنَ التِّجَارَةِ وَ اللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ<sup>۴</sup>؛ هنگامی که آن‌ها تجارت یا سرگرمی و لهوی را ببینند، پراکنده می‌شوند و به سوی آن می‌روند و تو را ایستاده به حال خود رها می‌کنند؛ بگو آنچه نزد خداست، بهتر از لهو و تجارت است و خداوند، بهترین روزی‌دهندگان است.

### ۳. مخالفان عقیدتی و سیاسی

یکی دیگر از موارد عدم امکان جمع میان خشنودی خدا و دیگران، راضی کردن مخالفان عقیدتی و سیاسی است. برای مثال بیشتر یهود و نصاری‌ای عصر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، دشمن آن حضرت و

۱. لقمان: ۶.

۲. ملا فتح‌الله کاشانی؛ تفسیر منهج الصادقین؛ ج ۷، ص ۱۹۸؛ نیز ر.ک: سید محمدحسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۶، ص ۱۳۱.

۳. فضل بن حسن طبرسی؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۰، ص ۴۳۳.

۴. جمعه: ۱۱.

همدست با مشرکان بودند. خدای سبحان خطاب به پیامبر ﷺ فرموده است:

وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ<sup>۱</sup> هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، (تا به طور کامل تسلیم خواسته‌های آن‌ها شوی و) از آیین (تحریف‌یافته) آنان پیروی کنی. بگو: هدایت، تنها هدایت الهی است؛ و اگر از هوی و هوس‌های آنان پیروی کنی، بعد از آنکه آگاه شده‌ای، هیچ سرپرست و یاورى از سوى خدا برای تو نخواهد بود.

این سخن قرآن، به عصر رسول اکرم ﷺ اختصاص ندارد. اکنون نیز قدرت‌های جهانی به چیزی کمتر از تسلیم شدن مسلمانان در برابر خود رضایت نمی‌دهند. مسلم است که جلب رضایت آنان، خشم خدا را به دنبال دارد. گروه‌های سیاسی نیز که دلبستگی شدیدی به آرمان‌های حزبی خود دارند و طرفداران آنان نیز که تعصب شدیدی بر طرفداری بی‌چون و چرا از حزب خود دارند و به فرموده قرآن: «كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ»<sup>۲</sup> هر گروهی به راهی رفتند؛ (و عجب اینکه) هر گروه به آنچه نزد خود دارند، خوشحالند؛<sup>۳</sup> مشمول این آیه شریفه هستند.

### فهرست منابع

۱. ابن طاووس، علی بن موسی؛ اللهوف فی قتلی الطفوف؛ قم: انوارالهدی، [بی‌تا].
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۳. حُلوانی، حسین بن نصر؛ نزهة الناظر و تنبيه الخاطر؛ تحقیق: مدرسة الإمام المهدي ﷺ؛ چاپ اول، قم: مدرسة الإمام المهدي ﷺ، ۱۴۰۸ ق.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن؛ تحقیق: صفوان عدنان داودی، چاپ اول، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۶ ق.
۵. سجادی، سید جعفر؛ فرهنگ معارف اسلامی؛ تهران: کومش، ۱۳۷۳ ش.
۶. شریف الرضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۷. شوکانی، محمد بن علی؛ فتح القدير؛ چاپ اول: دمشق، بیروت: دار ابن کثیر- دارالکلم،

۱. بقره: ۱۲۰.

۲. مؤمنون: ۵۳؛ روم: ۳۲.

١٤١٤ ق.

٨. صدوق، على بن محمد؛ الامالى؛ تحقيق: قسم الدراسات الاسلامية؛ [بى جا]: مؤسسة البعثة، [بى تا].

٩. \_\_\_\_\_؛ كتاب من لا يحضره الفقيه؛ تحقيق على اكبر غفارى؛ چاپ دوم؛ قم: دفتر انتشارات اسلامى، ١٤١٣ ق.

١٠. طباطبايى، سيد محمد حسين؛ الميزان فى تفسير القرآن؛ چاپ دوم، بيروت: مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، ١٣٩٠ ق.

١١. طبرسى، فضل بن حسن؛ مجمع البيان فى تفسير القرآن؛ تصحيح فضل الله يزدى طباطبايى؛ چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ١٣٧٢ ش.

١٢. العسكرى، حسن بن عبدالله؛ معجم الفروق اللغويه؛ تحقيق: الشيخ بيت الله ييات و مؤسسة النشر الإسلامى؛ چاپ اول، قم: مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين، ١٤١٢ ق.

١٣. فيض كاشانى، مولا محسن بن شاه مرتضى؛ المحجة البيضاء؛ چاپ چهارم، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ١٤١٧ ق.

١٤. كاشانى، ملا فتح الله؛ تفسير منهج الصادقين فى الزام المخالفين؛ تهران: كتابفروشى محمد حسن علمى، ١٣٣٦ ش.

١٥. كلينى، محمد بن يعقوب؛ الكافى؛ تصحيح على اكبر غفارى و محمد آخوندى؛ چاپ چهارم، تهران: دار الكتب الإسلامية، ١٤٠٧ ق.

١٦. كوفى، فرات بن ابراهيم؛ تفسير فرات الكوفى؛ تصحيح محمد كاظم؛ تهران: وزارت ارشاد، ١٤١٠ ق.

١٧. مجلسى، محمد باقر؛ بحار الأنوار؛ تحقيق سيد ابراهيم الميانجى و محمد الباقر البهبودى؛ چاپ سوم، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٠٣ ق.

١٨. نراقى، احمد بن محمد مهدى؛ معراج السعاده؛ [بى جا]: مؤسسه انتشارات هجرت، [بى تا].

١٩. نورى، حسين بن محمد تقى؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ تحقيق مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث؛ قم: سعيد، [بى تا].